

یکی از نسخه‌های خطی وندیداد از مجموع پنج کتاب دینی زرتشتیان، به شماره عمومی ۲۶۲۸۸ در بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. ظاهراً این کتاب هدایی بنیاد شهید تهران در سال ۱۳۷۸ به این کتابخانه بوده است. این کتاب براساس آنچه در متن آن آمده مجموعه‌ای از وندیداد، ویسپرد، یسنا و ادعیه و نیرنگ‌هاست که جهت برگزاری مراسم یزشن و نیز آموزش دستوران و موبدان، به خط اوستایی، همراه با پهلوی و فارسی، نگارش یافته است.

### ویژگی‌های ظاهری کتاب

این پچین (= نسخه) دارای ابعاد ۲۵×۳۶ سم است و شامل ۳۳۰ گ می‌باشد. جلد کتاب تیماج مشکی ضربی است که در رو و پشت آن به یک تریج و دو سرتریج تزیین شده است. البته هم جلد و هم کل کتاب آسیب دیدگی‌های جدی دارد. برخی از اوراق آن بر اثر ماده‌ای چرب، کثیف شده و آسیب دیده است و یا بخش‌هایی از برگ‌ها پاره و با کاغذی دیگر وصال شده‌اند. شیرازه‌بندی آن با ابریشم‌الوان است و به نظر می‌رسد این شیرازه‌بندی و تجلید در دوره قاجار صورت گرفته و همزمان کتاب نیز مرمت و بخش‌هایی به آن افزوده و در واقع نونویسی شده است.

در نگاهی سریع به آن می‌توان فهمید اوراقش از نظر جنس و رنگ و نیز نوع خط با هم تفاوت دارد که برای بهتر شرح دادن آن در این مقاله، آنها را به دو بخش نونویسی شده و بخش اصلی (قدیمی) تقسیم می‌کنیم. به لحاظ قدمت، بخش قدیمی آن بنا بر یادگارنامه کتاب، مربوط به دوره صفوی یعنی سال ۱۰۳۲ق است و بخش نونویسی شده با توجه به اینکه تاریخ مشخصی ندارد اما با توجه به

## وندیداد آستان قدس

(ش ۲۶۲۸۸)

### فاطمه جهانپور\*

(مشهد)

**چکیده:** این مقاله به معرفی نسخه خطی وندیداد محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی می‌پردازد. این نسخه که مجموعه‌ای است از وندیداد، ویسپرد، یسنا، ادعیه و نیرنگ‌ها، به جهت برگزاری مراسم یزشن و نیز آموزش دستوران و موبدان نگارش یافته است.

این نسخه در دو دوره زمانی به دست دو کاتب به خط اوستایی، به همراه پهلوی و فارسی، کتابت شده است. بخش اصلی (قدیمی) را بهرام بن مرزبان بن فریدون بن بهرام بن رستم بن بندار بن شهرمدان بن دینیار، به دستور بهرام بن کیان بن سرخاب بن رستم زمان در سال ۱۰۳۲ق کتابت کرده است.

این بخش دارای پرنوشت‌هایی (حواشی) است که عمدتاً خبر درگذشت موبدان و دستوران را داده است. در دوره صفویه شیوه جدیدی در کتابت بن‌نوشت‌ها معمول شد. به این صورت که افزایه‌ای که کار همان یادگارنوشت را می‌کرد درست در وسط کتاب می‌آوردند. افزایه در این نسخه متنی نسبتاً طولانی به پهلوی و شعری بلند به فارسی است و آگاهی‌های مفیدی درباره کتاب به خواننده می‌دهد. بخش نونویس با بخش قدیمی از نظر جنس کاغذ، نوع خط، شیوه نگارش کاتب و نیز شخصی که فرمان کتابت را داده کاملاً متفاوت است. این بخش را بامث بن نوشیروان به دستور یکی از موبدان کرمان، به نام خدابخش بن کیخسرو بن مهربان، که کتاب را به جهت وقف بر والدینش خریداری کرده، کتابت کرده است. تاریخ کتابت این بخش به درستی روشن نیست و از قرائن پیداست که مربوط به دوره قاجار است.

این قسمت نیز دارای آغاز نوشت و پایان‌نوشت (بن‌نوشت) و نیز افزایه‌ای است که در پایان قسمت اول نونویسی شده و در شروع قسمت قدیمی آمده است.

**کلید واژه:** وندیداد؛ خط اوستایی؛ خط پهلوی؛ بهرام بن مرزبان بن فریدون بن بهرام بن رستم بن بندار بن شهرمدان بن دینیار؛ بهرام بن کیان بن سرخاب بن رستم زمان؛ پرنوشت؛ بن‌نوشت؛ افزایه؛ بامث بن نوشیروان؛ خدابخش بن کیخسرو؛ شیوه کتابت؛ وقف.

\* دانشگاه فردوسی مشهد.

کج نامه بهارستان: با تشکر از آقای پژمان فیروزبخش برای مقابله دستنویس و تذکرات سودمندشان.

نوع کاغذ، نحوه شیرازه‌بندی و نوع جلد می‌توان ادعا کرد مربوط به دوران قاجاریه است.

### بخش اصلی (قدیمی)

این قسمت که از برگ ۱۳۷ (به شرط آنکه برگ اول شروع کتاب را برگ اول بدانیم)<sup>۱</sup> تا برگ ۲۸۷ را دربر می‌گیرد. کاغذ آن، از نوع کاغذ نخودی دولت‌آبادی است که این نوع کاغذ مربوط به دوران صفویه می‌باشد.<sup>۲</sup> ابعاد کاغذ ۲۴/۵×۳۵/۵ سم و اندازه نوشته‌ها ۱۷×۳۰ سم و تعداد سطور آن ۲۱ س می‌باشد. نوع خط به‌کار رفته اوستایی، همراه با خط پهلوی و فارسی است، که البته بسیار زیبا با مرکب سیاه و به شکل جلی کتابت شده و عناوین و دستوره‌های تلاوت را به رنگ شنگرف آورده است. برای ایجاد فاصله در میان فقرات و بندها از علائمی نظیر گوی مشکی کوچک با دایره حایل قرمز به صورت مختلف استفاده شده است. در این بخش شیوه‌راده‌گذاری (رکابه) اعمال نشده، اما در گوشه چپ صدر ورق سمت چپ شماره‌گذاری به شکل حروفی اعداد فارسی صورت گرفته که چون برگ‌های کتاب ناقص است از برگ ۱۱۱ (صدویازده) شروع و به برگ ۲۶۱ (دویست و شصت و یک) ختم می‌شود. البته در این شماره‌گذاری گاه سه‌والقلم‌هایی صورت گرفته و کاتب آنرا اصلاح کرده است اما از آنجا که اول و آخرین نسخه افتادگی دارد، این شماره‌گذاری با شمارش دقیق برگ‌ها متفاوت است، یعنی برگ ۱۱۱ مطابق با برگ ۱۳۷ اصل کتاب است.

بر اساس یادگارنامه این بخش که در اوراق ۱۸۵ و ۱۸۶ (شماره برگ متن ۱۵۹-۱۶۰) به خط پهلوی و فارسی آمده، تاریخ کتابت و نام کاتب و نام شخصی که دستور کتابت را داده به روشنی ذکر شده است. بر این مبنای تاریخ کتابت استاد روز از ماه آبان ۹۹۲ یزدگردی / ۱۴ شعبان سال ۱۰۳۲ق است و کاتب آن بهرام پسر مرزبان پسر فریدون پسر بهرام پسر رستم پسر بندار پسر شهردان پسر دینیار می‌باشد و کسی که دستور کتابت را داده فردی به نام بهرام پسر کیان پسر سرخاب پسر رستم زمان (شاید رستم پسر زمان) است که از بهر عمل خیر و کرفه و وقف و جهت آموزش

دستوران و دستورزادگان فرمان تألیف این کتاب آموزشی را داده است. همچنین پرنوشت‌ها (نوشته‌های حواشی کتاب)<sup>۳</sup> نیز که عمدتاً خبر درگذشت موبدان و دستوران را داده و یا اشعاری که گهگاه آمده است، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را برای آگاهی از تاریخ زندگی اجتماعی یکی از اقلیت‌های مهم مذهبی کشور در اختیار گذارد.

### درباره کاتب بخش اصلی نسخه

معمولاً برای آگاهی از کاتب نسخه‌های کتب دینی زرتشتی و نیز دیگر اطلاعات مربوط به نسخه، بن‌نوشت‌ها که قاعدتاً در آغاز و یا انجام نسخه می‌آید می‌تواند بسیار ارزشمند باشد. شیوه کار کاتبان و نسخه‌برداران این قبیل کتاب‌ها که قطعاً خود زرتشتی بوده‌اند، آن بود که با رونویسی از کتابهای کهنه دینی، کتب مقدس را از خطر نابودی حفظ می‌کردند. این کاتبان موظف بودند نهایت دقت و وسواس و رعایت امانت را در کتابت اعمال کنند و بی‌آنکه دخل و تصرفی در نوشته‌های کهن داشته باشند به بازنویسی و تکثیر آنها بپردازند. این کار، در زمانی که کتاب کالایی بسیار نادر و قیمتی بود و از طرفی حفظ کتب مقدس زرتشتی که اصولاً از حمایت حکومت مرکزی برخوردار نبود و صرفاً با بذل توجه و صرف هزینه شخصی مؤمنان بهدین صورت می‌گرفت، امری بسیار مهم و ارزنده بوده و تأثیری بسیار مهم در تداوم آموزش دینی بهدینان و حفظ رسوم دینی آنها داشت و نقش بسزایی در مطالعات و تحقیقات حوزه ایران‌شناسی و دین زرتشتی دارد. از دوره صفوی به بعد در کتابت بن‌نوشت‌ها شیوه جدیدی باب شد. به این صورت که کاتب افزایه‌ای دیگر درست در وسط کتاب می‌آورد که کار همان یادگارنوشت را می‌کرد.<sup>۴</sup> در نسخه مورد نظر ما چنین افزایه‌ای در میانه نسخه درست در جایی که وندیداد به نصف رسیده است (البته به نقل کاتب) یعنی در برگهای ۱۸۵ و ۱۸۶ (شماره برگ متن ۱۵۹-۱۶۰) آمده است که متنی نسبتاً طولانی نخست به پهلوی و سپس شعری بلند به فارسی است و می‌تواند آگاهی مفیدی راجع به این کتاب به خواننده بدهد. پس از آن اشعار بلندی به فارسی آمده است.

<sup>۱</sup> شماره‌گذاری این نسخه قدری آشفته است. در این مقاله شماره برگ‌ها بر مبنای شماره‌گذاری تک تک اوراق بدون توجه به شماره‌گذاری موجود در متن و با احتساب این‌که برگ اول برگه شماره یک است در نظر گرفته شده است.

<sup>۲</sup> از همکاری و راهنمایی‌های فنی بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به خصوص سروران گرامی آقایان فاضل هاشمی و وفادار سپاسگزارم.

<sup>۳</sup> gloss.

<sup>۴</sup> کتابیون مزداپور، «بن‌نوشت‌های کهن»، نامه بهارستان، س ۳ (۱۳۸۱)، ش ۱، دفتر ۵: ۲۵۶.

«فرجام یافت به درود و شادی و فرّخی و رامشی به نیک‌اقبالی و مروای خوب و روزگار خجسته اوستای یش، ویسپرد، جددیوداد با نیرنگ رسته یزشن؛ من دین‌بنده بهرام مرزبان فریدون بهرام رستم بندار شهردان دینیار نوشتم و فراز هشتم از پچین دفتر خویش و پدر خویش. نوشتم و فراز هشتم از بهر وقف دین مزدیسنان که تا دستوران و دستورزادگان و دین رهبران (= رهبران دینی) خوانند و آموزند و یزشن بدان کنند.

و اگر از آن رونویس کنند، روان ما و روان بهرام کیان سرخاب رستم زمان را به پرهیزکاری و اشوروانی یاد کنند. پس ایشان را به گیتی تن نیکام، و به مینو روان اشو و گروتمانی (= بهشتی) باد. اگر نام نوشتار (= نویسنده) و نام بهرام کیان سرخاب بسترد (= بزاید) یا افکند یا یاد نکند، او را گیتی تن بدنام، <و> به مینو روان شرمندگی و تباه باد. و او را همیمال (= شاکی) ام به داور دادار اورمزد در انجمن ایستواستران زرتشتان. اندر فرّخی و پیروزی روز اشتاد به ماه آبان سال بر ۹۹۲ بیست سال پس از شاهنشاه یزگرد شهریاران (= یزگرد پسر شهریار)، <که> خاندان به شاهنشاه خسرو هرمزدان (= خسرو پسر هرمزد) <رسد>. به کام یزدان باد، ایدون باد ایدون تر نیز باد. [عبارت مشهور راه یکی است و دیگر راه‌ها بیراهه است به اوستایی آمده است] راه پرهیزکاری یکی است، دیگر آن که جُدراه (= بیراهه) <است>.

سپس چند سطر به خط پهلوی و اوستایی آمده و مجدداً به خط پهلوی چنین نوشته است: «من دین‌بنده بهرام مرزبان فریدون بهرام رستم بندار شهردان دینیار این دفتر جددیوداد از بهر وقف فرمود بهرام کیان سرخاب رستم زمان نیشتم کش (؟) باد به گیتی انوشه و گرد و به مینو اهلو گروتمانی (= بهشتی) باد. هر دستور و دستور زادگان که خوانند من نیز او را همبهرکنم تا ایشان هم در آن کرفته همبهر باشند چه مزدکرفته پرهیزکاری هرگز کمتر نبود زشت بیشتر باد (؟)».

این افزایه یا یادگارنامه توسط کاتب در پایان فرگرد هشتم آمده و تاریخ اتمام نصف اول دستنوشته را روز اشتاد از ماه آبان سال ۹۹۲ یزدگردی ذکر کرده است. اما دیگر نمی‌دانیم که کل کتاب به دست وی دقیقاً در چه زمانی به انجام رسیده است. بر مبنای این یادگارنامه، نام کاتب بهرام پسر مرزبان پسر فریدون پسر بهرام پسر رستم پسر بندار پسر شهردان پسر دینیار بوده است که به نظر می‌رسد برادر فریدون بن مرزبان کاتب مجموعه موسوم به TD2 مربوط به سال ۹۷۵ یزدگردی / ۱۶۲۶ م و نیز نسخه وندیداد دانشگاه تهران به شماره ثبت ۱۱۲۶۳، مربوط به سال ۹۷۶ یزدگردی است.<sup>۵</sup> با فرض برادر بودن این دو، ایشان در خانواده‌ای مذهبی و موبدزاده، هنرمند و خوشنویس در دوران صفوی به دنیا آمده و بالیده‌اند. پدر این دو، مرزبان بن فریدون، و نیز عموی آنها گوپدشا، هر کدام کاتب و خوشنویس نسخ دینی بودند. مرزبان نویسنده نسخه بنداهش DH مربوط به سال ۹۴۶ یزدگردی / ۱۵۹۷ م و گوپدشا کاتب نسخه TD1 سال ۹۰۰ یزدگردی / ۱۵۳۱ م بوده‌اند.<sup>۷</sup> ما به مدد کتاب روایات داراب هرمزدیار آگاهی‌های ارزنده‌ای از فریدون مرزبان، کاتب وندیداد دانشگاه تهران، داریم. وی و دو برادرش دستور انوشیروان، برادر بزرگتر و بهرام برادر کوچکتر اعضای یک خاندان دینی بودند. فریدون نه تنها کاتب و خوشنویس کتب دینی بلکه شاعر نیز بوده است که اشعاری را از کرمان برای همکیشان خود در هندوستان فرستاده و در آن اعضای خاندان‌های موبدان یزد را نام برده و معرفی کرده است.<sup>۸</sup> فریدون در سفری که از کرمان به یزد رفته و در روستای شریف‌آباد و در خانه بهرام رستم بندار سکونت کرده اقدام به کتابت وندیداد (نسخه دانشگاه تهران) کرده است که با توجه به تاریخ آن مربوط به دوران صفوی است.<sup>۹</sup> بنابراین بهرام برادر کوچکتر فریدون موبدزاده‌ای است که در خانواده‌ای دیندار و خوشنویس و شاعر به دنیا آمده و نسخه مورد بحث یعنی نسخه آستان قدس را با زیبایی به کتابت درآورده و اشعاری نیز بدان افزوده است. تأیید این سخن را در متن پهلوی و اشعار فارسی یادگارنامه می‌توان دید:

۵ کتابیون مزداپور، «نویافته‌های کهنسال»، جهان کتاب، س ۷ (۱۳۸۱)، ش ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۰.

۶ این تاریخ‌ها در دستنوشته‌ها ظاهراً تاریخ مجوسی یا پارسی، یعنی بیست سال پس از یزدگرد است، اما در حقیقت همه آنها تاریخ یزدگردی است.

۷ بهرام برومند امین، «کاتبان نسخه‌های پهلوی و اوستایی از خاندان مرزبان»، نامه بهارستان، س ۶ و ۷ (۱۳۸۶)، دفتر ۱۱-۱۲: ۳۵۵.

۸ کتابیون مزداپور، «نویافته‌های کهنسال»، ص ۱۰.

۹ همان جا.

۱۴۱ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۲ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۳ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۴ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۵ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۶ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۷ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۸ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۴۹ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب  
 ۱۵۰ سینه پند و اندرز او را در این کتاب  
 است که در این کتاب در این کتاب  
 او را در این کتاب در این کتاب

### شیوه خط اوستایی بهرام بن مرزبان

شیوه خط او به خط برادرش شباهت‌هایی دارد. او در نگارش هر صفحه دقت کافی به عمل آورده است تا تمامی صفحات دارای ۲۱ سطر موازی زیر هم باشند و حواشی سفید هر صفحه از چهار طرف دوه‌دو برابر باشند. هر واژه با یک نقطه از واژه دیگر فاصله دارد، اما الزاماً پایان هر سطر پایان واژه نیست و چه بسا واژه‌ای که در پایان سطر ناتمام مانده و به سطر بعدی آمده است. کلمات بسیار منظم، صاف، مستحکم و ضخیم نوشته شده است. وی در نوشتن گاه از تمام قلم استفاده کرده و خطی جلی و درشت و باصطلاح پرگوشت دارد. در کشیدگی بعضی حروف مانند x و θ قدری اغراق شده که بر زیبایی خط افزوده است. حرف y در شروع کلمات به صورت C- آمده است. سوارنویسی حروف که بیشتر بر روی حروف d و b اعمال شده مکرر دیده می‌شود. زیبایی خط وی زمانی کاملاً به چشم می‌آید که با بخش نونویسی شده مقایسه شود.

در این قسمت برخلاف بخش اوستایی، پایان هر سطر قطعاً پایان واژه نیز هست و کلمات در آخر خط ناتمام نمانده است. به همین منظور گاه برای آنکه واژه در پایان سطر ناقص نشود، حروف آن را به صورت سوار شده آورده و در مقابل، اگر کلمه کوتاه بوده، آن را با کشیدگی جبران کرده است. از ویژگی خط پهلوی وی آن است که برای سهولت در خوانش حروف به تبعیت از خط فارسی نقطه‌گذاری و یا علامت‌گذاری شده است که به نظر می‌رسد این سیر طبیعی خط پهلوی بوده که «اصالت و کهنیکی خود را در باخته و بتدریج جای خود را به زبان و خط فارسی داده است.»<sup>۱۰</sup> مانند حروف y/d/g که به صورت q / ū / ۱ / ۱، و یا ō به صورت ۱۰ نوشته شده است. نیز برخی مصوت‌ها متفاوت آمده است. نظیر واژه نبشتم به صورت نبشتم؛ رستم به صورت رستم؛ بهرام به شکل وهرم نوشته شده است. سوارنویسی در مورد حرف b اعمال شده و حروف a و r را بسیار خمیده آورده است.

### شخصیت بهرام کیان سرخاب رستم زمان

این پچین به خواهش و فرموداری بهرام پسر کیان پسر سرخاب پسر رستم زمان (رستم پسر زمان) که دینداری معتقد از اهالی اصفهان بوده، نوشته شده است. درباره این فرد، براساس آنچه در اشعار بن‌نوشت آمده، به نظر می‌رسد که وی یکی از دینداران معتقد و سخت‌کوش زرتشتی بوده که در تمام دوران زندگیش در انجام امور خیر و کرفه کوتاهی نکرده است. شاعر درباره وی واقعه‌ای را ذکر می‌کند که بسیار رقت‌انگیز است و آن اینکه در زمانی که او در کرمان زندگی می‌کرده، دروندان و ناهلان به خانه و خانواده‌اش حمله کرده و آنها را با بی‌شرمی و گستاخی تمام نه تنها از شهر بیرون می‌کنند، بلکه مال بسیاری نیز به زور (غیرحق) از ایشان می‌ستانند. و این در حالی بوده که همسری ترزاده داشته که به تازگی وضع حمل کرده و حال وی مساعد نبوده و نوزادش نیز برای تحمل چنین سفر تبعیدی و ناگهانی آماده نبوده است. گویا وی به اصفهان نقل مکان می‌کند. شاعر هیچ نامی و یا دلیلی سیاسی برای این واقعه ذکر نمی‌کند و با توجه به سیاست مدارای شاه عباس اول درباره زرتشتیان، دقیقاً نمی‌دانیم که آیا این مسأله یک امر خصوصی و به اصطلاح مقطعی در ادامه برخوردهای مسلمانان با زرتشتیان بوده و یا اینکه دستوری حکومتی بوده است. این اشعار چنین است:



تزیینات شروع فرگرد اول.

### شیوه خط پهلوی بهرام بن مرزبان

در برخی صفحات کاتب از خط پهلوی استفاده کرده که هر چند محدود، اما بسیار زیبا و منظم است. سطور به طور موازی زیر هم آمده و آنجا نیز رعایت ۲۱ سطر شده است.

<sup>۱۰</sup> کتیون مرداپور، «بن‌نوشت‌های کهن»، ص ۲۵۶.

مرین جددیواد نصف اول تمامت شد بدان ای مرد عاقل بدی اشتاد روز و ماه آبان  
 ز تاریخ ششمنی شاه یزدگرد بدین آگاه باش ای پاک و بهمرد نهجرت هم هزاروسی و دو بود  
 نویسنده اگر کسی پرسدش نام پدر نامش به نیکی خوانده بهرام پدر بهرمرزبان بن فریدون  
 نوشتن این کتاب از کفر گرفته باشد وقف و خوانندش بهر کجا پورکیان کنش نام بهرام  
 بنمودش که دستوران دیندار چو فرمایند در دین بهش کار و راهم هر دو هم مزد و ثوابی  
 بدو بخشند هر روز و دعاهم رسانند و روانش باد خرم بران خوانند بسیار آفرین باد  
 نوید با نهند و دو هم پیا آن می شهبان ز ما شش چاره  
 نیابرام بن رستم هم ایدون  
 نیاسرخاب بن رستم بن نام  
 کز فرمایند کارش را پیا  
 کجا ما را خدا مرزی زین راد

«هر که ما را کند به نیکی یاد  
 مرین جددیواد نصف اول  
 بدی اشتاد روز و ماه آبان  
 ز تاریخ شهی دین شاه یزدگرد  
 ز هجرت هم هزاروسی و دو بود  
 نویسنده اگر کس پرسدش نام  
 پدر بد مرزبان بن فریدون  
 نوشتن این کتاب از بهر کفره  
 کجا پورکیان کنش نام بهرام  
 بفرمودش که دستوران دیندار  
 ورا هم بهر و هم مزد و ثوابی  
 بدو بخشند خدامرزی و دعاهم  
 بران خواننده بسیار آفرین باد  
 به بهرام کیان پورسرخاب  
 خدای او را بهر نیکی رسانند  
 حسود و خصم و بدگویان بهرام  
 رفیق و دوستانش شاد و خرم  
 چو بهرام کیان از بهر کفره  
 دگر از کفره‌ها بهر روان کرد  
 دگر ترس ستودان هم بفرمود  
 به هر سالی شدی در کفره کردن  
 به (ناخوانا) گذشته سال اوسی  
 به روز کودکی و در جوانی  
 شب و روزان ز بهر کفره کوشش  
 گجسته اهرمن با دیو دروند  
 که تا او گردد از این ره پیشیمان  
 ز بهر اصفهان و خانه بردن

نام اوسر به سر به نیکی باد  
 تمامت شد بدان ای مرد عاقل  
 نود با نهصد و دو هم بیاب آن (?)  
 بدین آگاه باش ای پاک و بهمرد  
 مهی شعبان ز ماهش چارده بود  
 پدر نامش به نیکی خوانده بهرام  
 نیسا بهرام بن رستم هم ایدون  
 که باشد وقف و خوانندش به صرفه  
 نیسا سرخاب بن رستم بدش نام  
 چو فرمایند در دین بهش کار  
 که فرمایند کارش و ریبابی  
 رسانند و روانش باد خرم  
 کجا ما را خدامرزی ز دین داد  
 دهد هرکش خدامرزی به هر باب  
 بگیتی و بمینوشاد مانند  
 به دوگیتی روان تیره سیه نام  
 بکف جام و بدلها جمله بی غم  
 کتابی این چنین فرمود صرفه  
 ز گیتی خرید با زنده روان کرد (?)  
 شبان و روز او بر راه دین بود  
 ز مزد آن روان را طرفه کردن  
 کجا این کفره‌ها کرد از بیرسی  
 به جهد کفره بودی و روانی  
 بکردی چون خدا بد (?) داده هوشش  
 گزند و ریمنی در راه (اصل: ره) افکند  
 شود بی اعتقاد از راه یزدان  
 بر او جور و ستم بسیار کردن

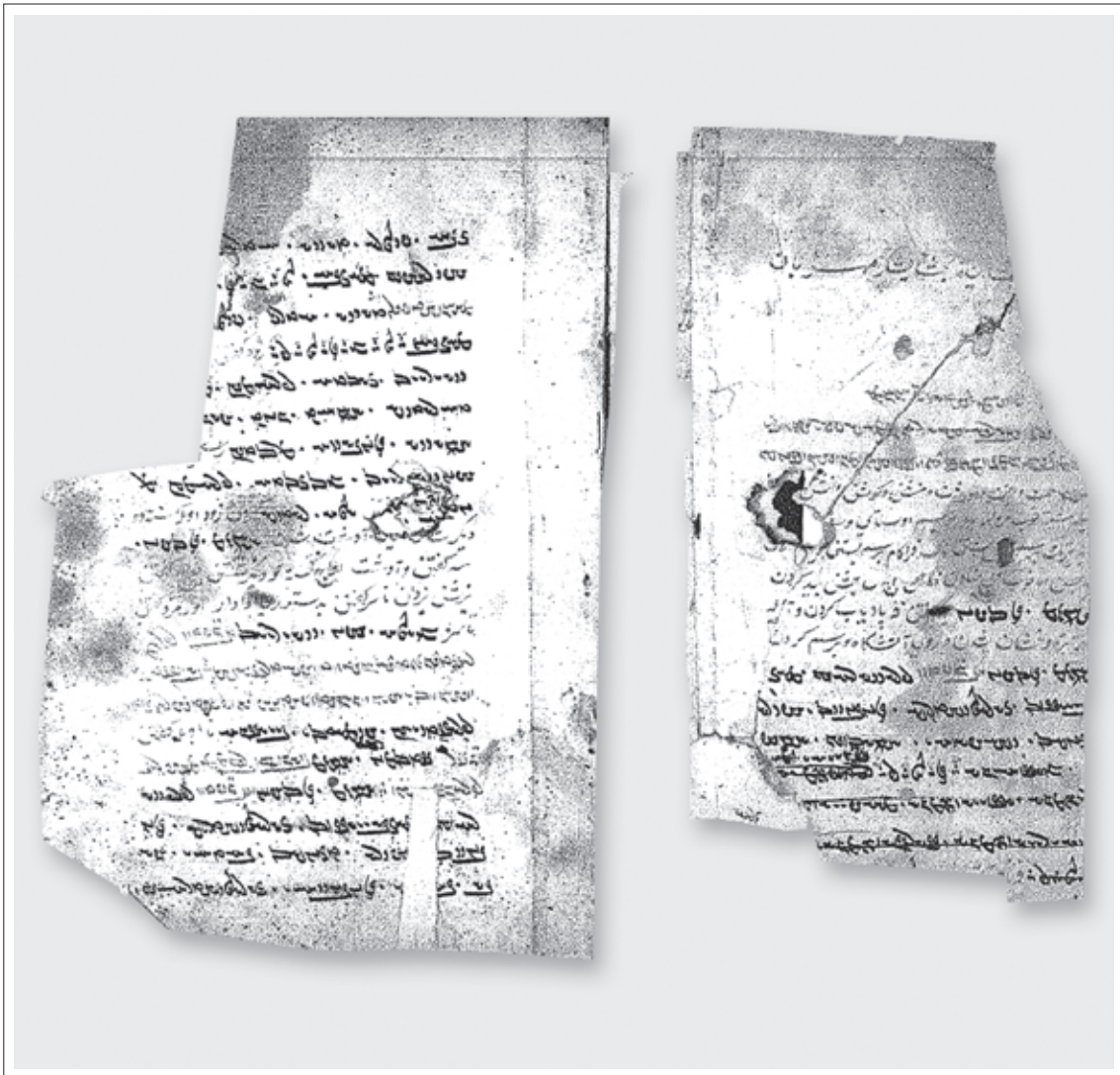
ز آزار و سیاست باب او را  
 ز خان و مان خویشش با زن و اهل  
 زنی ترزاده و طفلی که نوزاد  
 روان کردند او را زی صفاهان  
 ستاندند و به بردندش بدانجای  
 ورا اندر ره دین بهی داشت  
 پس از آن مدتی آمد به کرمان  
 بیامد تا برد او را هم ایlder  
 چو در این دفتر او افکنده بد رای  
 چو طالع نیک و اختر داشت نیکو  
 به امید بهشت و از گرتمان  
 چو شد نصفی تمام آن نصف دیگر  
 ستمگرها ستم با خویش کردند  
 برو بگذشت و ایشان را عقوبت  
 هر آن خواننده کین دفتر بخوانند  
 هر آن کس کین نویسد مایه بیند  
 تو ای بهرام بن مرزان دستور  
 به لطف رهنمای دادگستر  
 ز بهر خویش و او داری خدامرزی  
 پس از این سالیان بی حد و مر  
 ز گستاخی عزیزان نزد و از دور  
 ز ما بر نیکویان راد و یساران  
 ز ما بر دوستان یکجهت هم  
 به همدینان ما و پاک دینان  
 هزار اندر هزار اندر ثنا باد  
 هر آن کو یک جهت بر راه دینید  
 چو کفره کم نگردد بهتر آنست

بیازرزدند و آن راد نکورا،  
 برون بردند بدکاران نااهل  
 به زاری و به زخم و داد و بیداد،  
 به غیر حق درم از وی به تاوان،  
 سبب سازد سببها داد فرمای  
 چو از راه خدای او آگهی داشت  
 که پوری داشت کودک زان پریشان  
 رساند مرورا در پیش مادر  
 که بنویسد ز بهر وقف برجای  
 بفرمود و همی بد بر ره او  
 ز جهد سعی کردی از دل و جان  
 تمامت می شود از لطف داور  
 ز کار آن جهانی بیش کردند  
 بگردن ماند و پادافراه و محنت  
 خدامرزی ز بهر وی رسانند  
 خدامرزی ز بهر او گزینند  
 بکن جهد و نوشتن را مکن دور  
 تو بنویس و رسانش باز با سر  
 روان را نیز باشد زین فروبرز  
 ترا نامست و مزد و کفره و فر  
 ز سهو بنده می دارید معذور  
 درود بی مر و بیسور هزاران  
 دعای بی مر و بادند خرم  
 تمام کفره کار و بیش بینان  
 خدایشان ره برویشت و پناه (اصل: پنا) باد  
 به کاتب هم خدامرزی رسانید  
 که هر دم آفرینت بر زبانست

هدف از کتابت این نسخه به تصریح متن بن نوشت، وقف به منظور خواندن و آموختن و برگزاری یزشن بوده است تا در دورانی که به دلیل تحولات سیاسی، دینی و اجتماعی محدودیت‌ها و فشارهایی بر این گروه دینی کوچک اعمال می‌شده، آیین‌های دینی به دست فراموشی سپرده نشود. این مسأله در مورد کتابت این نسخه که به صورت وقف از طرف بهرام بن کیان بر پدر و مادر و خانواده‌اش صورت گرفته کاملاً مسلم و قطعی است. کاتب در جای جای اشعارش از خوانندگان تقاضا دارد که از دعای خیر برای بهرام بن کیان و خاندانش و نیز شخص نویسنده و خاندان وی غفلت نکنند و نیز اغلاط و اشتباهات وی را به دیده‌اعماض نگریسته، چشم پوشی کنند. در حاشیه (پرنوشت) اوراق این بخش اخباری درباره‌ی درگذشت موبدان و یا دستوران آمده که دارای آگاهیهای ارزشمندی است.

به صدق پاک گویی آفرینم  
 نکوگویی ترا باشد نکوتر  
 خدا گفتست اندر زند و وستا  
 به رادان و په و ارزانیان هم  
 که کرفه پاک چون آب روانست  
 به بخشی و خوری و هرچه سازی  
 چو چونین است اگر کس آفرینی  
 ز ما هم باد بر وی آفرین بیش  
 ز ما یکصد هزاران آفرین بر  
 دل من این زمان رایی جزین کرد  
 ز بهر دوستانم دل پر از جور  
 ز نیکویی روان گر یابدم بر  
 نکویی کن نکویی کن نکویی

تو گویی و به دل من هم چنینم  
 بترگویی بتر باشدت ایدر  
 که کرفه هر که بخشد در ره ما  
 نگردهد هیچ از آن کرفه اش کم  
 فزونتر هرچه برداری همانست  
 نگردهد کم کنی زان سرفرازی  
 فرستد بهره ما پاکدینی  
 اگر بیگانه و گر باشد از خویش  
 برادان و به نیکویان (ناخوانا)  
 که گویم شرح و احوالی چنین مرد  
 پیرشان تر منم زین گردش دور (؟)  
 بدین دور از نکویی می رسد شر  
 بد از شر می برد نیکان نکویی»



صفحات آغازین نسخه وندیداد (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۲۶۲۸۸).

## بخش نونویس نسخه

این بخش با بخش قدیمی کاملاً متفاوت است. این اختلاف نه تنها به لحاظ جنس کاغذ، که از نظر نوع خط، شیوه نگارش، کاتب و نیز شخصی که فرمان کتابت را صادر کرده، با بخش قدیمی متفاوت است. این قسمت که اصطلاحاً آن را بخش نونویسی شده می‌نامیم، از برگ اول تا برگ ۱۳۷ و از برگ ۲۸۷ تا برگ پایان کتاب یعنی برگ ۳۳۰ را در برمی‌گیرد و کاغذ آن فستقی فرنگی آهار نقره‌است که برخی از اوراق آن به وسیله کاغذ فرنگی نیلی بعدها وصالی و مرمت شده‌است. اندازه اوراق آن ۲۴/۵×۳۵/۵ سم و ابعاد نوشته‌ها ۱۴×۲۶ سم می‌باشد. هر صفحه ۲۱ سطر ۱۴سم دارد و سطور آن با هم کاملاً موازی است. متن با مرکب مشکی و عناوین و توضیحات به رنگ سرخ آمده است. فواصل فقرات و عبارات با تزییناتی مانند گوی مشکی یا سرخ که اطراف آن نقاط یا خطوطی ظریف آمده تزیین شده‌است. این بخش رکابه یا راده‌گذاری شده‌است که در پایین سمت چپ صفحه سمت راست آمده‌است. شماره‌گذاری اوراق به حروف عددی فارسی در گوشه چپ صدر ورق سمت چپ آمده است که گاه سهواً قلم‌هایی نیز رخ داده است. به این ترتیب که شروع شماره‌گذاری با شروع برگ‌ها آغاز شده تا گ ۱۳۷، اما پس از آن با شروع بخش قدیمی، شماره صفحات ترتیب خود را طی نکرده و همان شمارش بخش قدیمی ادامه می‌یابد و تا پایان کتاب به همان صورت ادامه می‌یابد. این بخش شامل خطوط اوستایی، پهلوی و فارسی است. متن اصلی به خط اوستایی است و از آنجا که کتاب جنبه آموزشی برای دستوران و موبدان دارد توضیحات مربوط به نحوه اجرای مراسم و نیز دستورهای مربوط به شیوه تلاوت نیایش‌ها گاه به پهلوی و گاه به فارسی و به رنگ سرخ آمده‌است. مثلاً در جایی که وظیفه زوت یا راسپی را می‌گویند و یا تعداد دفعات گفتن عبارات ذکر شده، برای مشخص شدن آن از رنگ سرخ استفاده شده است. این قسمت دارای آغازنوشت و پایان‌نوشت (بن نوشت) و نیز افزایه‌ای است که در پایان قسمت اول نونویسی شده و شروع قسمت قدیمی آمده است. همچنین پرنوشت‌هایی نیز در حواشی صفحات آن آمده است. براساس بن‌نوشت آغازین (البته تا آنجا که قابل خواندن است)، متن کتاب شامل اوستای ویسپرد، نیرنگ برسم، پادیاپ کردن و احتمالاً نحوه اجرای آیین‌های آتشگاه می‌باشد.

## درباره کاتب بخش نونویس و جزئیات دیگر این بخش

در صفحه راست برگ ۱۳۷ یعنی درست در پایان قسمت اول نونویسی و شروع بخش قدیمی متن شعری بلند به فارسی آمده که نام کاتب و نام شخصی که دستور کتابت نسخه را داده و نیز دلیل نوشتن آن آمده است. در این اشعار نام نویسنده بامث(؟) بن نوشیروان آمده است که چندان اطلاعی از وی در دست نیست. اما به نظر می‌رسد وی نه تنها خوشنویس و کاتب نسخ دینی زرتشتی بوده، بلکه شاعر هم بوده و در جای جای کتاب شعری و یا دعایی به درگاه ایزدان آورده است. به طور نمونه در یکی از پرنوشت‌های کتاب که در پایان فرگرد اول آمده (برگ ۸۴)، نویسنده دو بیت شعر نوشته که در آنجا هم به نامش اشاره کرده و هم درخواست دعای خیر از خوانندگان کرده است: «تو هم بامث نوش را یاد کن به آمرزشی روح من شاد کن تو هم ای جوانمرد با آفرین به آمرزشی یاد کن کمترین یا الحاجات»

که در اینجا خود را «بامث نوش» خطاب کرده است. لازم به ذکر است بیت اول در پایان فرگرد چهارم تکرار شده است.

کاتب به دستور یکی از موبدان کرمان به نام خدابخش پسر کیخسرو پسر مهربان این دفتر را کتابت کرده است. البته در متن شعر قید شده که موبد خدابخش این دفتر را که وندیداد نام دارد خریده است. موبد خدابخش شاید یکی از اعضای خاندان دستور مهربانی باشد که نسخه یسنای آنها در تملک کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.<sup>۱۱</sup> در پرنوشت‌های متن کتاب، اخباری راجع به افرادی داده شده که شاید منسوب به این خاندان باشند، اما باید نهایت دقت را داشت زیرا ممکن است صرفاً تشابه اسمی باشد. به طور مثال در حاشیه برگ ۱۰۹ (مطابق با ۱۱۲ متن کتاب) آمده است: «هو، وفات یافتن بهشتی روان دستور کیخسرو ولد مرحوم دستور مهربان بن مرحوم دستور رستم اندر یوم سفندارمزد اج فروردین ماه قدیم هرکس خدایامرزی بدهد خداوند بر هفتادپشت اوشان آمرزید(؟) سنه ۱۲۴۲ یزدجردیه، سنه ۱۲۹۰»، که شاید وی پدر موبد خدابخش مورد نظر ما باشد. و نیز در حاشیه برگ ۱۳۴ (مطابق با ۱۳۶ متن کتاب) چنین آمده: «وفات یافتن (اصل: یافطن) مرحوم موبد خدابخش موبد کیخسرو اندر یوم ارد (ناخوانا) ماه قدیم آبان ماه رحمت حق پیوسته شد سنه ۱۲۷۰ هجریه، سنه ۱۲۲۲ یزدجردیه». البته اگر بپذیریم

<sup>۱۱</sup> کتابیون مزداپور، «نویافته‌های کهنسال»، ص ۱۲.



متن شعری که در برگ ۱۳۷ آمده چنین است:

«سر نامه نام خدای جهان  
سپاسم ز یزدان که دیدم امید  
دلم بد شب و روز در موج خون  
بدی مدت چهار سال این بیات (؟)  
ز بعد جفای زمانه ببدان  
که ناگه بود عمر ناپایدار  
شب و روز بد در دلم فکر این  
به عز خداوند فیروز گسر  
خرد پیشه و باهش و با کمال  
بیا بشنو اسرار یک موبدین  
مران راه دین بود پاکیزه جان  
دلا تا توانی به نیکی گرای  
به کرمان بد آن موبد به گزین  
نمود او به وقف نیاکان خویش  
چو وندید خوانند را شادمان  
بود هم بهره اش مام و باب اوی (؟)  
ز خویشانش تمامی بهره باد  
ملا یک این سخن گویند هر بار  
نباشد جز به نیکویی خیالش  
بود او سرفراز هر دو عالم  
نبیند خاطرش هرگز غباری  
خدا دادست او را ارجمندی  
بکوشد بر ره دین زراتشت  
که رحمت باد کیخسرو ابن مهربان  
که فرزند چنین را پروریدند  
همین دفتر وقف وندید نام  
نبود اوستادی که پندم دهد  
ز نادانی خویش گفتم من این  
هر آنکس که خواند ورا این کتاب  
خدا مرز بفرستد از بهر ما (اصل: ماه)  
هم از بهر آنکس که فرمود این  
دهیدش خدامرزی از صدق و جان  
به کاتب دعایی رسان و بگویی  
ز خویشان کاتب ز خویشان اوی  
بدار یس نیکش مدار ید خوار  
بدار ید معذور (اصل: معذور) خوانندگان  
مرکب زیون بود بیرنگ هم  
زیس خود دل اشکسته بودم به کار  
درستش همی خوان عیش پیوش  
اگر نام کاتب بخوای (ص: خواهی) عیان (ص: ایان)  
مبادا به کاتب بگویی بد  
به گیتی و مینو بوی شادمان

که موبد خدابخش موبد کیخسرو متوفی ۱۲۲۲ فرزند دستور کیخسرو بن مهربان درگذشته به تاریخ ۱۲۴۲ و خریدار کتاب مورد نظر ماست، به نظر می رسد که پسر ۲۰ سال زودتر از پدر درگذشته است. که نمی توان بر درستی این نتیجه گیری اصرار داشت.

موبد خدابخش بن کیخسرو بن مهربان کتاب را از بهر وقف بر والدینش خریداری کرده است و کاتب شاعر نیز از خوانندگان تقاضا دارد برای وی و خاندانش و نیز برای روان موبد خدابخش و خانواده اش دعای خیر نمایند و سهوقلم های وی را به دیده اغماض بنگرند و از اشتباهات صورت گرفته توسط او در کتابت نسخه چشم پوشی کنند. تاریخ کتابت نسخه به درستی روشن نیست اما با توجه به نوع کاغذ و تجلید آن ظاهراً مربوط به اواسط دوران قاجاریه یعنی عصر ناصری است. (اگر خریدار نسخه مورد بحث همان موبد خدابخشی باشد که تاریخ فوتش ۱۲۷۰ ق می باشد، شاید ادعای ما در انتساب این بخش از نسخه به دوران ناصری قدری تقویت شود.)



نمونه خط فارسی بامث بن نوشیروان.

## درباره شیوه کتابت اوستایی بامث (۴) بن نوشیروان

اوراق این بخش از نسخه نیز ۲۱ سطر دارد که سعی شده همه سطور به صورت موازی و مرتب در زیر هم و با دقت در حفظ حواشی بیاید. البته خط به زیبایی قسمت قدیمی نیست، اما در اینجا نیز کاتب گاه از تمام سطح قلم استفاده کرده و خطی نسبتاً درشت به دست داده است. هر واژه با نقطه‌ای از کلمه دیگر جدا شده و در این قسمت نیز الزاماً پایان سطر پایان کلمه نیست و ممکن است واژه در آخر سطر به اتمام نرسیده و به خط بعدی رفته باشد. متن با مرکب مشکی نوشته شده و لا به لای سطور به دلیل ضرورت‌ها رنگ سرخ به کار رفته است. سوارنویسی روی حروف b و d اعمال شده و در کشیدگی حروف v و x و J و گاه قدری اغراق شده است (برگهای ۴۳ تا ۴۶). البته در بقیه صفحات این شیوه دیده نمی‌شود. در حاشیه برخی صفحات عبارات و جملاتی که جا مانده است به صورتی نامرتب و ریز آمده که گاه بخشی وسیع از حواشی و صفحه را فراگرفته است و نیز گاه خط خوردگی‌هایی دیده می‌شود.

## درباره شیوه کتابت پهلوی بامث (۴) بن نوشیروان

خط پهلوی کاتب به صورت محدود در بخشهایی از آغاز کتاب و میانه متن‌ها آمده است. در این خط، کاتب برخی حروف را برای ساده‌تر شدن در خواندن نقطه‌گذاری و یا علامت‌گذاری کرده است مانند g/d/v به صورت ی/د/ت، نیز حروف l و r را خمیده آورده و سوارنویسی بر روی حروف b و d را اعمال کرده است.

پزنوشت‌های این قسمت از نسخه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است که برخی از آنها مربوط به تاریخ فوت تعدادی از موبدان و اعضای خاندان‌های ایشان (یک مورد خبر تولد کودکی است) می‌باشد. به طور مثال چند مورد در اینجا نقل می‌شود: «تاریخ وفات یافتن دستور خداداد دستور بهمرد یوم دی به دین بهمن ماه سنه ۱۲۵۴»

«سنه ۱۲۳۸ یزدگردیه به تاریخ وفات بهشتی روان دستور کیخسرو موبد خداداد موبد بهمرد هوشنگ اندر یوم گوش ایزداج بهمنزه قدیم در بندر (ناخوانا) به رحمت حق رفته سنه ۱۲۳۸ یزدگردیه خدا بیامرزاد (اصل: بیامزاد)»

«به تاریخ وفات یافتن خداداد دستور کیخسرو دستور بهمرد خداداد یوم امرداد فروردین ماه قدیم سنه ۱۲۲۱ یزجردیه»

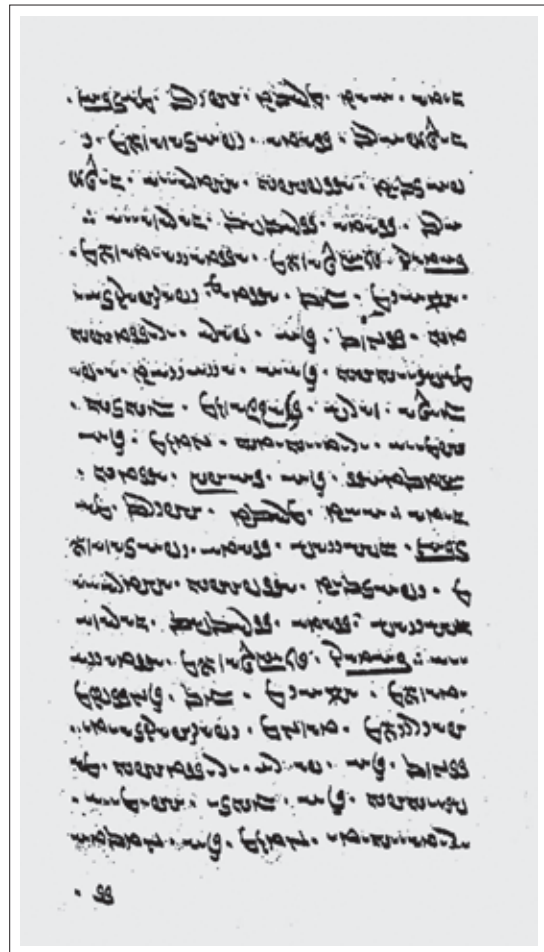
«هو متولد شدن فرنگیس بنت موبد خدابخش بن مرحوم موبد کیخسرو موبد خداداد بهمرد اندر یوم آسمان از خردادماه قدیم سنه ۱۲۴۱ یزدگردیه و سلام»

«تاریخ وفات جنت مکان بهشتی روان فرنگیس بنت مرحوم موبد خدابخش مرحوم موبد کیخسرو یوم اردیبهشت اردی ماه قدیم در راحت آباد تفت به رحمت حق پیوسته شد سنه ۱۲۵۴ یزدگردیه»

اگر این دو خبر مربوط به یک شخص باشد به نظر می‌رسد این دختر خانم در نوجوانی، در حالیکه تنها ۱۳ سال داشته، در گذشته است.

و نیز اشعاری که به تناسب متن گاه در حواشی آمده، به گونه‌ای می‌تواند خاطره‌گنگ و مبهم از دورانی باشد که این پچین دست به دست در میان خانواده‌های متدین زرتشتی می‌گشته و هرکس یادداشتی برای سپردن به حافظه جمعی بهدینان از خود برجای گذاشته است.

«به جهت خدا بیامرزی که خدا بنده را آمرزیده کند بنده فقیر را جمشید خسرو نوشیروان خسرو یزدی که در کوک ساکن دارد که خدا بنده را پدر و مادر و هفتاد پشت بنده را آمرزیده کند.»



نمونه خط اوستایی بامث بن نوشیروان.

زانکه من بنده گنه کارم  
العبد کمترین کمترینان جمشید خسرو نوشیروان  
خسرو یزدی که در کرمان ساکن داشته این کتاب را داده  
به خصوص (اصل: خسوس) آنکه خواننده هر که  
باشد بنده به این وندیداد شریک هستم (استم) تا دانید  
صاحب (اصل: صاحبه) جمشید خسرو نوشیروان  
خسرو یزدی آموزیده باد که در گیتی و آخرت سرافراز باشد  
بتوفیق رب عالمیان

هر که ما را دهد خدامرزی یارب او را خدا بیامرزاد  
سنه ۱۲۲۲»

از دیگر پرنوشت‌ها ادعیه‌ای است که گاه به صورت  
شعر در شروع فرگردها آمده است:

— شروع فرگرد اول: «یا دادار و همه افزونی یا شاه  
ورهرام ایزد مدد»

— شروع فرگرد هفتم: «یا شاه ورهرام ایزد فیروزگر بر  
همه موبدان آسان بکن»

— شروع فرگرد سیزدهم: «یا شاه ورهرام ایزد پیغمبر  
اشو زراتشت».

در حاشیه همین برگ چنین آمده:  
«بر پشت کتاب بر آنها(?) باشد هرکه ور دارد نشان باشد  
عمل بنده کمترین موبد (ناخوانا) ولد مرحوم (ناخوانا)  
می باشد هرکس خدایامرزی بدهد خدا هر هفتاد پشت  
او را بیامرزاد سنه ۱۲۴۳ یزدجریه سنه ۱۲۹۰ هجریه».

— شروع فرگرد چهاردهم: «یا شاه مهرایزد بر همه  
(ناخوانا) همان بکن»

— شروع فرگرد پانزدهم: «یا شاه اشتاد ایزد بر همه  
(ناخوانا) همان بکن»

— شروع فرگرد شانزدهم: «یا دادار اورمزد پاک»

— شروع فرگرد هفدهم: «بنام خدا»

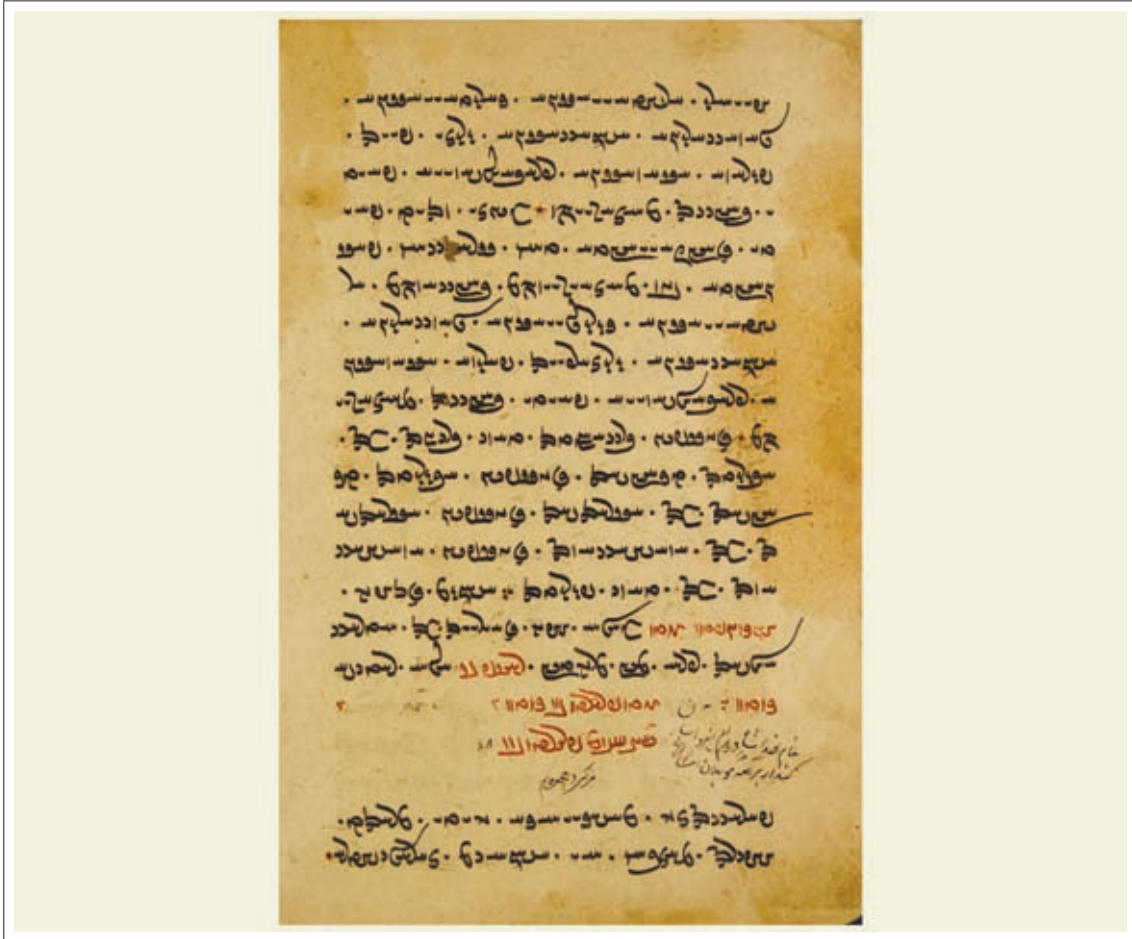
— شروع فرگرد هجدهم: «بنام خدا شاه ورهرام ایزد  
آسان کند بر همه موبدان (ناخوانا)»

در حاشیه برگ ۲۹۳ چنین آمده: «تمام شد عمر دشمن».  
در پایان کتاب و در آخرین برگ نسخه، شعری به  
فارسی آمده که با توجه به آسیب دیدگی های فراوان ورق،  
بخشهای عمده‌ای از شعر از بین رفته که ممکن بود  
اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ ختم کتابت داشته  
باشد. آنچه از این شعر برجای مانده چنین است:

«نویسنده را ای خدای اعلی (اصل: علاه) بیامرز روز قیامت گناه  
خدایا از آن شخص آمرز کن بر دو جهان .....  
به کاتب رساند خدامرزی یاد که روح روانش به جنت رساد  
خدایا بیامرز گوینده را به جنت .....  
به گیتی و مینو ورا کام باد به گیتی .....  
تو ..... بدیاری از لطف حاجت ما (ص: ماه) .....  
دهی در دو گیتی سرافرازیم .....  
خدایا تو از لطف دستم بگیر اگر چه .....  
نداریم غیر از تو فریادرس .....  
یا آفرین .....»

نکته پایانی آنکه این کتاب به لحاظ تزیینات ساده است و  
آرایه چندان ندارد. تنها در برگ ۸۱، شروع فرگرد اول  
وندیداد با دو رنگ مشکی و قرمز نقاشی ساده‌ای از یک  
درخت سرو مرکزی که روی آن مرغی کوچک نشسته و دو  
پرنده بزرگ، احیاناً طاوس در دو طرف آن دیده می‌شود.  
نقشی بسیار ساده از پرنده و ماهی نیز در یکی دو جای  
کتاب آمده است. در حاشیه دو برگ هم مهری دیده  
می‌شود که سجع آنها ناخوانا است.





نمونه خط اوستایی بهرام بن مرزبان. نسخه وندیاد (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش. ۲۶۲۸۸).

*Nameh-ye Baharestan: vols. 8-9, 2007-2008, ser. nos. 13-14*

### On the Vendidad Manuscript of Astan Qods Library (no. 26288)

FatemeH JAHANPOUR

(Ferdowsi University, Mashhad)

There is a manuscript of the Vendidad in the part of manuscripts of Astan Qods library with general number 26288. This manuscript has written by two writers in two epochs different. Writer of old part is Bahrām b. Marzbān b. Fereydūn b. Bahrām b. Rostam b. Bondār b. Shahmardān b. Dīnyār, from Zoroastrian family and brother of author of Ms. Bondahishn TD2 and Ms. Vendidad of Tehran University. Bahrām wrote this Ms. Under order Bahrām b. Kiyān b. Sorkhāb b. Rostam b. Zamān, and in Safavid era (992 yazdgirdī, 1032 A.H, 1623 A.D)

Writer of another part is Bāmeth b. Nūshīrvān under order Mobad Khodābakhsh b. Kaykhosro b. Mehrbān, in Qājār spell.

This book is including of Yasna, Visprad, Vendidad and neiranghā. This manuscript has written for training of dasturān. The purpose of this paper is to explore this worth manuscript.